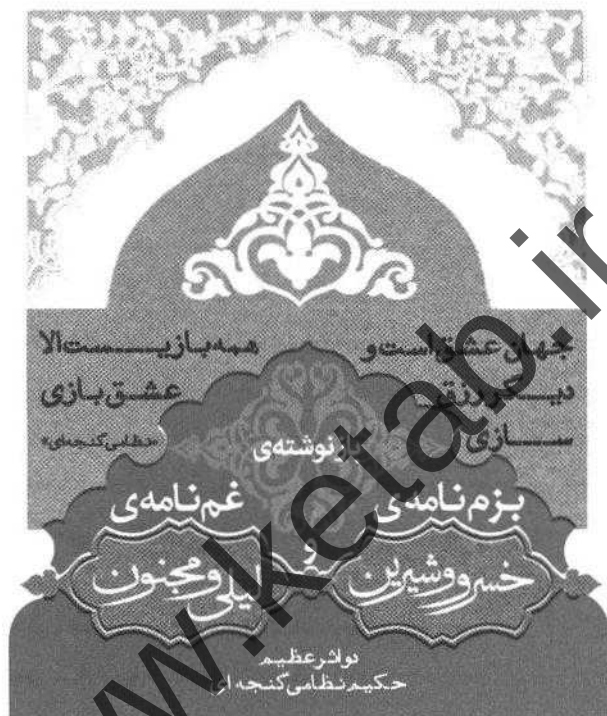




نگارنده: عبدالعلی غفوری



نگارنده: عبدالعلی غفوری

انتشارات: آشیانه‌ی برتر

حروف نگار و تنظیم: فرشته میرفندرسکی
طراحی جلد و صفحات داخلی: فائزه بختی
مجری تولید: موسسه چاپ و نشر سلام

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۳

تعداد صفحات/ قطع: ۱۷۶/ وزیری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۸-۵۴-۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

بهاء: ۱۳۰۰۰ تومان



سرشناسه: غفوری، عبدالعلی، ۱۳۲۹ - اقباس کننده

عنوان قراره‌ادی خسرو و شیرین. برگزیده

لیلی و مجنون، برگزیده عنوان و نام پدیدآور: خسرو و شیرین نظامی:

بازنوشته‌ی بزم‌نامه‌ی خسرو و شیرین و غم‌نامه‌ی لیلی و مجنون دو اثر عظیم

حکیم نظامی گنجوی / نگارنده: عبدالعلی غفوری،

وضعیت ویراست [ویراست] مشخصات نشر اصفهان: آشیانه برتر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۸-۵۴-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر برگزیده و اقباس از "خسرو و شیرین" و "لیلی و

مجنون" نظامی گنجوی است.

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان "خسرو و شیرین و لیلی و مجنون

نظامی گنجه‌ای" توسط انتشارات انتظار سبز در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است.

عنوان دیگر: بازنوشته‌ی بزم‌نامه‌ی خسرو و شیرین و غم‌نامه‌ی لیلی و مجنون

دو اثر عظیم حکیم نظامی گنجوی.

عنوان دیگر: خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای.

موضوع: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰ - ۶۱۴ق. خسرو و شیرین - الیاس‌ها

موضوع: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰ - ۶۱۴ق. لیلی و مجنون - اقباس

موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴

شناسه افزوده: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰ - ۶۱۴ق. خسرو و شیرین

شناسه افزوده: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰ - ۶۱۴ق. لیلی و مجنون

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۵خ۳۸۸ف/ ۸۱۵۲ PIR

رده بندی دیویی: ۶۲/۳۸۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۴۶۴۲۵



پیش گفتار ۸

وصف عشق ۱۱

بزم نامه خسرو و شیرین

تفرج کردن خسرو در مرغزار و تنبیه کردن شاه، او را ۱۶

به خواب دیدن خسرو، نیای خویش، انوشیروان را ۱۷

حکایت کردن شاپور از فرمان روایی مهین با نو و توصیف زیبایی شیرین ۱۸

وصف جمال شیرین ۱۹

رفتن شاپور به ارمن در طلب شیرین ۲۲

رسیدن شاپور به کوهستان ارمن ۲۲

آمدن شاپور به نزد شیرین ۲۵

رسیدن شیرین به مداین ۳۴

رسیدن خسرو به ارمن ۳۶

مجلس بزم خسرو و بزم آمدن شاپور ۳۷

رفتن دیگر بار شاپور به طلب شیرین ۳۹

آگاهی خسرو از مرگ پدر ۴۰

باز آوردن شاپور، شیرین را به نزد مهین بانو ۴۲

گریختن خسرو از نزد بهرام چوبین ۴۲

اندرز کردن مهین بانو، شیرین را ۴۴

چوگان باختن خسرو با شیرین ۴۵

عیش بهارانه‌ی خسرو و شیرین ۴۷

کشتن خسرو، شیر را در بزمگاه ۴۷

افسانه سرایی شبانه ۴۸

برتخت نشستن دوباره‌ی خسرو در مداین ۵۶

زاری شیرین در فراق خسرو ۵۷

پادشاهی شیرین ۵۸

رفتن شیرین به مداین ۵۹

مرگ بهرام چوبین ۶۰

بزم آرایي خسرو ۶۱



۶۴	رقیب تازه‌ی خسرو
۶۶	آمدن شیرین به دیدار فرهاد
۶۷	آگاهی خسرو از دلدادگی فرهاد
۷۱	رفتن شیرین به کوه بیستون
۷۵	مرگ مریم
۷۷	رسیدن نامه‌ی شیرین به خسرو
۷۷	صفت داد و دهش خسرو
۷۸	قصه‌ی شکر اصفهانی
۸۲	زاری شیرین در شب تنهایی
۸۴	رفتن خسرو به دیدار شیرین
۸۷	گفت و گوی خسرو و شیرین
۹۵	بازگشت خسرو از قصر شیرین
۹۶	پشیمانی شیرین
۱۰۶	در آوردن خسرو، شیرین را به کاخ مداین
۱۰۷	عروسی خسرو و شیرین
۱۱۷	بند کردن شیرویه، خسرو را
۱۱۹	مرگ خسرو
۱۲۰	خود کشتن شیرین در دخمه‌ی خسرو

غم نامه‌ی لیلی و مجنون

۱۲۴	ستایش یزدان
۱۲۵	آغاز داستان
۱۲۹	وصف عشق مجنون
۱۳۰	رفتن پدر مجنون به خواستاری لیلی
۱۳۲	زاری مجنون از عشق لیلی
۱۳۳	بردن مجنون به کعبه
۱۳۷	وصف زیبایی لیلی
۱۳۸	رفتن لیلی به سیر باغ و گلشن
۱۳۹	شوی کردن لیلی



۱۴۰	یاری کردن نوفل، مجنون را
۱۴۲	نبرد نوفل با قبیله‌ی لیلی
۱۴۴	دومین نبرد نوفل با قبیله‌ی لیلی
۱۴۵	رهانیدن مجنون آهوان را از جنگ صیاد
۱۴۷	گفتار مجنون با زاغ
۱۴۷	حدیث مجنون و پیر زال
۱۴۹	عروسی لیلی
۱۵۰	آگاهی مجنون از شوی کردن لیلی
۱۵۱	رفتن پدر مجنون به دیدار فرزند
۱۵۵	آگاهی مجنون از مرگ پدر
۱۵۶	الفت مجنون با جانوران
۱۵۷	پاداش احسان
۱۵۹	توصیف شب و زیبایی‌های آن
۱۶۰	رسیدن نامه‌ی لیلی به مجنون
۱۶۱	نامه‌ی لیلی به مجنون
۱۶۲	پاسخ نامه‌ی لیلی از سوی مجنون
۱۶۴	آمدن سلیم عامری به دیدار مجنون
۱۶۵	حکایت زاهد آزاده
۱۶۵	دیدار مجنون با مادر
۱۶۷	خواندن لیلی، مجنون را
۱۷۰	رفتن سلام بغدادی به دیدار مجنون
۱۷۳	مرگ ابن سلام
۱۷۳	مرگ لیلی
۱۷۵	زاری مجنون بر گور لیلی
۱۷۶	پایان ماجرا



پیش گفتار

نامش الیاس و تخلصش نظامی است. پدرش یوسف و مادرش رئیسه‌ی کرد نامیده شده و مولدش به سال ۵۳۵ در گنجه روی داده است.

اگر چه برخی از تذکره نویسان از «قم» و «تفرش» نیز به عنوان زادگاهش نام برده‌اند، لیکن این بعید می‌نماید که بدین ادعا دلیلی نیاورده و تنها به دو بیتی اشاره کرده‌اند که بعدها آن دو بیت را نیز الحاقی دانسته‌اند.

چو در گرچه در بحر گنجه گم ولی از قهستان شهر قم
به «تفرش» دهی هست «قا» نام او نظامی از آن جا شده نامجو

از مسلمات زندگی نظامی مانند کاری پیوسته‌اش به شهر گنجه است که سراسر عمر را در آن به سر برده و ایامی را به انزوا و گوشه‌گیری گذرانده و تنها یک بار به یکی از شهرهای نزدیک به گنجه سفر کرده و مدتی را در آن جا سپری ساخته است. از مطالعه در زندگی این گوینده‌ی بزرگ چنین برمی‌آید که مدتی بس کوتاه در کنار همسر زیبا و دل‌آرامش «آفاق قبحاق» به شادکامی گذرانده و این ایام را از بهترین لحظات زندگی خود دانسته، آن گونه که در چندین جا از آثار خود از این «دولت مستعجل» سخن گفته و از مرگ نا به هنگام محبوب زیبا و خردمند خویش به تاسف فراوان یاد کرده است. چنان که در پایان داستان خسرو و شیرین بدین رویداد غمبار اشارت نموده و مرگ شیرین را نیز همچون مرگ یاردل نشین خویش جا نگذا و درد انگیز خوانده است.

در این افسانه شرط است اشک راندن در این افسانه شرط است اشک راندن
به حکم آن که آن کم زندگانی به حکم آن که آن کم زندگانی
سبک رو چون بت قبحاق من بود سبک رو چون بت قبحاق من بود

نظامی از معدود گویندگانی است که نه تنها در بیان احساسات ظریف شاعرانه و دقایق بدیع عارفانه مهارتی خاص داشته که در هنر داستان سرایی نیز یگانه‌ی روزگار بوده و به داشتن این دو ویژگی از دیگر گویندگان گوی سبقت برده و بر آنان پیشی جسته است.

اگرچه باب داستان سرایی در ادب فارسی به دست نظامی گشوده نگردیده که پیشینه‌ای پیش از اسلام داشته، لیکن مهارت او در تجسم صحنه‌های گوناگون و حالات مختلف و توصیف ماهرانه‌ی اشخاص، او را در ردیف شاعران و گویندگان بزرگ جهان قرار داده، آن گونه که منظومه‌ی لیلی و مجنون او را همپای «رمثوژولیت» شکسپیر انگلیسی دانسته‌اند.

یکی دو قرن پیش از نظامی، گویندگانی در میدان وسیع داستان سرایی گام نهاده و آثاری آفریده بودند، چنان که سنایی غزنوی در تمثیلات نغز خویش به بیان نکته‌های اخلاقی و عرفانی پرداخته و فخرالدین امجد گرگانی نیز با آفرینش منظومه‌ی عاشقانه‌ی «ویس و رامین» اثری شگرف پدیدآورده بود. دقتی و اسدی توسی نیز هر یک در زمینه‌ی حماسه آفرینی و نقل داستان‌های ملی آثاری از خود بر جای نهاده بودند.

با همه‌ی این احوال گفتنی است که مقام بلند حکیم فرزانه، ابوالقاسم فردوسی در زمینه‌ی داستان سرایی، جایگاهی ویژه دارد که هرگز کسی را رخصت مقایسه‌ی او با دیگر گویندگان این عصر نمی‌دهد و اعتبار و شایستگی شاهنامه‌ی مقدسش قابل قیاس با دیگر آثار این دوران نیست که نشست او بر ستیغ بلند حماسه سرایی ایران جاودانه است.

آنچه استاد گنجه آفریده، تفاوتی ژرف با دیگر آثار گویندگان دوران پیشین و پسین خود داشته که عمر سی ساله بر سر خلق آنها نهاده و به جان و دل در آفرینش آنها کوشیده بود.

آنچه امروز ما را از خواندن آثار این سخن سرای پر آوازه مسلم می‌گردد، این است که در می‌یابیم هیچ گوینده‌ای چون او نتوانسته به بیان ریزه‌کاری‌های ظریف ادبی پردازد و به نگاه موشکافانه‌ی خویش بیانگر نکته‌های دقیق و حساس زندگی قهرمان‌های داستان‌های خود باشد.

او با به کارگرفتن واژه‌های مناسب و خلق مضامینی تازه و ترکیبات بدیع و دل‌نشین آن چنان خواننده را مسحور و حیرت زده‌ی اعجاب کاری خویش می‌کند که گویی ساعت‌ها پس از فراغت از خواندن هنوز خود را در دنیای رنگین و پر خیال او می‌بیند آن سان که به آسانی از تراوشات افکار ناب او دل بر نمی‌کند و به دیگری نمی‌پردازد چرا که زیباتر از باغ رنگین اندیشه‌ی ناب او تفرج گاهی نمی‌یابد.

بدین سان او با آفرینش جلوه‌های رنگارنگ هنری و خلق تصاویر بی‌مانند و خیال‌انگیز در اشکال تشبیه و مجاز و استعاره و دیگر صنایع ادبی آن چنان توفیقی می‌یابد که هیچ گوینده‌ای را توان برابری با او نیست. آن گونه که جمله‌روندگان راه او کارشان به گمراهی کشیده و هیچ یک را توفیق ره روی درست او عاید نگشته است.

علاوه بر این، وجود اصطلاحات و ترکیبات علمی و فلسفی و نجومی، امتیاز دیگری است که آثار نظامی را برتری افزون بخشیده و آنها را در ردیف دایرة‌المعارفی از دانش‌های گوناگون بشری قرار داده است. و بالاخره از دیگر امتیازات بزرگ او این که پیوسته در رعایت غفت کلام و ادب و نجابت جانب وسواس به کار برده و در بیان و تجسم صحنه‌های هوس‌آلود و تمکیات تن از حد اعتدال گامی فراتر نهاده و چنانچه ناگزیر از بیان آنها بوده به رمز و سایه بسنده کرده و زبان خویش را به گفت واژه‌های سست و ناخوشایند آلوده نساخته است.

سرانجام این شاعر داستان پرداز در سال ۶۰۲ هجری پس از آفرینش بزرگ‌ترین منظومه‌های داستانی و سرایش قصاید و غزلیاتی جودانی رخ در نقاب خاک کشید و رخت به عالم دیگر برد و در زادگاه خویش، گنجه بر دل خاک رفت.

در این کتاب که به بازنویسی و گاه شرحی مختصر از دوا و پراوازه‌ی او پرداخته شده، کوشش نگارنده بر آن بوده که با آوردن نثری ساده به شرح رویدادها پردازد و حتی الامکان از بیان نکته‌های مهم و ارزشمند آن دو اثر غفلت نرزد، بدین امید که این کوشش اندک و بی‌مقدار در راه شناخت فرهنگ و ادب و هنر پر بار زبان فارسی سودمند افتد.

فروردین ماه سال ۹۲ خورشیدی

اصفهان - عبدالعلی غفوری